

شکری در رفقای قافله

نعیمه جلالی نژاد

دریای خزر

اشاره:

همان گونه که هر پدیده و حادثه سیاسی و اجتماعی دارای ویژگی های گوناگونی است و علت وقوع و چرایی آن را نمی توان به یک عامل نسبت داد، پدیده بزرگی مثل جنگ ایران و عراق نیز از این پیچیدگی مستثنا نیست.

بر این اساس، با نگاهی به شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، علل و عوامل گوناگون این پدیده را بررسی می کنیم.

کشورهای منطقه با تصمیم صدام برای حمله به ایران همسو بودند. البته این همسویی بیش از آنکه ناشی از سیاست ها و آرمان های مشترک آن ها باشد، به دلیل احساس خطر مشترک این کشورها از انقلاب اسلامی بود. انقلابی که توانسته بود رژیم پادشاهی را سرنگون کند و می توانست خطری جدی برای کشورهای منطقه باشد. چون این کشورها ویژگی های مشترکی با رژیم شاهنشاهی داشتند، مثل: وابستگی به آمریکا، فساد اخلاقی، تجمل پرستی، مخالفت با دین، استبداد و... از طرف دیگر، جمهوری اسلامی در موضع گیری های آشکار و نهان، تمایل خود را به سرنگونی دولت های منطقه و همچنین، خیزش انقلابی مردم منطقه و برقراری حکومت اسلامی در این کشورها اعلام کرده بود.

آغاز تهاجم

در جریان کنفرانس سران اوپک که در سال ۱۳۵۳ در شهر الجزیره تشکیل شد، با تلاش هایی که رئیس جمهور الجزایر به عمل آورد، مذاکراتی بین شاه ایران و صدام حسین انجام شد که نتیجه آن اعلامیه (۶ مارس ۱۹۷۵) بود که به قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر معروف شد. صدام حسین با پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در مقابل دوربین های تلویزیونی، جنگ و تجاوز علیه ایران را در ساعت ۱۴:۲۰ روز ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ با حملات هوایی آغاز و ظرف چند ساعت، ۱۹ منطقه مهم از جمله فرودگاه های کشور را مورد هدف قرار داد.

رژیم بعثی عراق در پی موافقت کاخ سفید، عملیات تهاجم سراسری ارتش خود به خاک ایران را با نام رمزی (یوم الرعد) به معنای روز تندر آغاز کرد.

تصرف مناطق نفت خیز خوزستان

نوک پیکان حملات عراق، متوجه منطقه خوزستان بود. اشغال این منطقه برای عراق چند سود بزرگ در بر داشت: اول این که با اشغال خوزستان می توانست مرز دریایی خود را به میزان زیادی گسترش داده و نفوذ خود را به راحتی در خلیج فارس وسعت بخشد. دوم این که منطقه بسیار حاصل خیز خوزستان، دارای معادن عظیم نفت و گاز بود و اشغال چنین سرزمینی، هم باعث نفوذ شدید عراق در بازار نفت می شد و هم می توانست در سرنگونی نظام نوپای ایران نقشی حیاتی داشته باشد.

جلوگیری از پیدایش انقلاب اسلامی در عراق

عراق با حمله به ایران می توانست توجه مردم خود را از مسائل داخلی کشور به خارج معطوف کند. انقلاب اسلامی با شعار حاکمیت اسلام بر سراسر کره زمین به پیروزی رسیده بود. طبیعی بود که نخستین مراکزی که از نظر ایدئولوژیک مورد توجه انقلاب اسلامی قرار می گرفت، کشورهای همسایه بودند. در میان همسایگان ایران، کشور عراق با داشتن ۶۲ درصد شیعه، خطر را بیش از دیگر کشورها احساس می کرد. خطری که باعث بروز تظاهرات و راهپیمایی ها و دیگر حرکت های اعتراض آمیز مردمی به رهبری آیت الله صدر شده بود. سرکوب این حرکت ها و اعدام شهید صدر و خواهرش، می توانست موج خصومت میان مردم و حکومت بعثی را افزایش دهد. صدام، احتمالاً به این موضوع می اندیشید که حمله به ایران و تضعیف، تحقیر یا سرنگونی آن، هم منبع خطر را تضعیف یا نابود می کند و هم مردم عراق متوجه یک دشمن خارجی می شوند و برای حفظ وحدت ملی از حرکت های اعتراض آمیز نسبت به حکومت بعثی دست بر می دارند.

خلیج فارس

شرکای دزد، رفقای قافله



مهم ترین مشوق صدام برای حمله به ایران، آمریکا بود. آمریکایی‌ها که با سقوط نظام شاهنشاهی در ایران، دست‌شان از منابع عظیم نفت کشورمان کوتاه شده بود، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدام به دشمنی و حمله نمودند. حمله نظامی در صحرای طیس که با امدادهای الهی شکست خورد، کودتای نوژه و ده‌ها توطئه دیگر از جمله اقدامات دولت آمریکا بود. در این میان کشورهای زیادی خود را رفیق عراق اعلام کردند و در سرتاسر هشت سال جنگ تحمیلی او را حمایت کردند.



ایتالیا: چند میلیون مین ضد نفر به عراق فرستاد.



سوئیس: کاربرد پروژه اورانیوم را در عراق آغاز کرد.



بلژیک: قرارداد ساخت پایگاه نظامی در عراق به قیمت ۸۳۰ میلیون دلار منعقد کرد.



برزیل: قراردادی ۱۰ ساله با عراق برای همکاری هسته‌ای امضا کرد.



آلمان و فرانسه:

آلمان بیشتر از سایر کشورهای اروپایی، عراق را حمایت کرد. هواپیماهای «سوپراتاندارد» و موشک‌های لیزری که از آخرین دستاوردهای صنعت نظامی فرانسه بود، در اختیار ارتش عراق قرار گرفت. هواپیماهای «سوپراتاندارد» به دلیل گران بودن، به ارتش عراق اجاره داده شد تا خلبانان عراقی با استفاده از آن‌ها به راحتی بتوانند پایگاه‌های رزمندگان اسلام و شهرهای ایران را بمباران کنند. زمانی که تمام این کمک‌ها نتوانست ارتش شکست خورده صدام را نجات دهد، آلمان با ارسال مواد شیمیایی به کمک صدام آمد و صدام توانست از این طریق ۶۰۰۰ تن بمب شیمیایی علیه مردم ایران به کار گیرد. ارتش صدام فقط ۱۱۰۰ نفر را در شهر سردشت و سایر نقاط ایران و ۵۰۰۰ نفر را در شهر حلبچه با استفاده از این سلاح‌ها به شهادت رساند.



اسپانیا، سوئد، ژاپن و آرژانتین: کمک‌های نظامی متنوعی به عراق علیه ایران اعطا کردند.

عربستان: ماهانه یک میلیارد دلار به عراق کمک می‌کرد و اطلاعات محرمانه ایران را در اختیار عراق قرار می‌داد.



مصر: ۵۱۳ میلیارد دلار موشک و تسلیحات به صورت رایگان برای عراق فرستاد.



کویت: وام بلا عوض ۱۵ میلیون دلاری به عراق در جنگ علیه ایران اعطا کرد و جزیره بوبیان که جزو خاک این کشور می‌باشد را از آغاز تا پایان جنگ به عنوان پایگاه موشکی و باند پرواز هواپیماهای عراقی برای زدن کشتی‌ها و حتی موشک باران شهرهای ایران در اختیار عراق گذاشته بود.

سازمان ملل: مسئولیت سکوت، مسامحه و تعلل در مقابل جنگ نابرابر عراق علیه ایران را بر عهده داشت.

شوروی: بخش عمده اسلحه مورد نیاز عراقی‌ها در طول جنگ توسط شوروی تأمین می‌شد. این کشور با در اختیار گذاشتن تجهیزات و جنگ افزارهای مدرن، کمک زیادی به صدام کرد. پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگی، هلی کوپتر، تانک و سلاح‌های دیگر، از جمله تسلیحاتی بود که شوروی در طول هشت سال جنگ به عراق داد.



شیلی: در ساخت بمب‌های خوشه‌ای به عراق کمک کرد.



سودان: صدها تن از سربازان ارتش خود را به جبهه‌های جنگ علیه ایران اعزام نمود.



اردن: اولین کشوری بود که به طور رسمی از عراق حمایت کرد و نیروی نظامی به عراق اعزام نمود.



بی‌تردید عنايت خاص پروردگار متعال، همیشه هدایت‌گر و راهنمای رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل بود و نیز توجهات ائمه اطهار (ع) که نام مبارکشان رمز عملیات و زینت‌بخش پرچم‌های رزمندگان ما بود. ملت بزرگوار و وفادار به امام و اسلام، بزرگ‌ترین پشتیبان و حامی فرزندان‌شان در جبهه بودند. در این عرصه امتحان و آزمون الهی، سربلندی و افتخار برای نسل‌های آینده به یادگار ماند و مردم عزیزمان، بدون دادن امتیاز یا واگذاری بخش کوچکی از آب و خاک کشورمان، بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین جنگ تاریخ معاصر را با پیروزی پشت سر گذاشتند. در این افتخار بزرگ همه اقوام و اقلیت‌های ایران نیز سهیم بودند.